

صورت مشروح مجلس

یوم سه شنبه سوم شهریور

هزار و سیصد و چهار

مجلس دو ساعت و نیم قبل از ظهر

بریاست آقای حسینخان پرنیا

تشکیل گردید

صورت مجلس یکشنبه اول

شهریور را آقای دکتر

احتشام قرائت نمودند

رئیس - صورت مجلس مخالفی

دارد یا نه؟

بعضی از نمایندگان - خیر

رئیس - آقای سلیمان میرزا

(اجازه)

سلیمان میرزا - بنده اجازه می

خواهم دنباله عرایض دیروزم را عرض

کنم

رئیس - چه فرمودید

سلیمان میرزا - اجازه میخواهم

مذاکرات دیروزم را خاتمه دهم

رئیس - آقای تدین

(اجازه)

تدین - بنده مخالف نیستم با این

که شاهزاده سلیمان میرزا اظهار عقیده

خودشان را بکنند

ولی مخالفم با اینکه باین وضع و باین

ترتیب ایشان بیان عقیده خودشان را بنمایند

برای اینکه همه ما باید مقید باشیم بحفظ

نظامات و تنظیمات داخلی مجلس شورای

ملی

نظامنامه داخلی یک مواد خاصی را در

نظر گرفته و تصویب نموده است از آن

جمله این است:

هر گاه یک نماینده یا همه از نمایندگان

اعتراضاتی داشته باشند یا توضیحاتی از

وزراء بخواهند مطابق ترتیبی که در نظام

نامه داخلی معین شده باشد باید باسؤال و

یا استیضاح کنند و بنده هیچ مانعی نمی بینم

که اگر واقعا شاهزاده سلیمان میرزا

اعتراضاتی دارند بیکى از این دو صورت

در آورند نه اینکه قبل از دستور با این

ترتیب صحبت کنند آنهم برطبق اطلاعاتی

که بنده دارم و خودشان هم اظهار فرمودند

مقصود ایشان بیان یک سلسله تاریخچه

است و همه آقایان تصدیق میفرمایند این

تاریخچه مکرر گفته شده

در دوره چهارم تقریباً دو سه جلسه وقت

مجلس اشغال شد به بیان همین تاریخچه در

دوره پنجم هم مختصری به علاوه تصور نمی

کنم در طهران کسی باشد که ذی علاقه بفهم

این تاریخچه بوده و تاریخچه را ندانسته

باشد

بنابر این تاریخ گفتن فائده ندارد یا

اینکه خود آقایان تصدیق میفرمایند که

چقدر راه روزگار در مجلس تهیه شده است

باین همه کارهای مملکتی که در واقع اگر

این چند ماهه که باخر هم مجلس باقیمانده

است برای آن کارها و اشغال شود باز هم

کافی نیست

سزاور نیست قبل از وره بدستور ما

دستور را بموجب انداخته و چند ساعت بلکه

چند بنده همانطور که در خارج اظهار می

کردند وقت مجلس را صرف کنیم بشنیدن يك

مضمون عالی مکرر شنیده ایم

بنابر این از نقطه نظر احترامات

مجلس و اینکه وقت مجلس تضییع نشود و

مجلس بتواند موفق بانجام کارهای که دارد

بشود تکلیفی برای آنها معین کند مخالفم

با اینکه شاهزاده سلیمان میرزا قبل از ورود

بدستور بخواهند

تاریخ بگویند ولی بنده که اظهار عقیده

میکنم و تصور میکنم تمام آقایان نمایندگان هم

در این خصوص با بنده هم عقیده باشند

که ایشان هر اعتراضی دارند بترتیبی که

در نظامنامه معین شده است و صورت

شدیش استیضاح است بنویسند و بمقام

محترم ریاست تقدیم نمایند آنوقت موافق

و مخالف صحبت کنید و هر طور هم مجلس

رای داد آن رای قطع خواهد بود

رئیس - آقای سلیمان میرزا

(اجازه)

سلیمان میرزا - مجلس دوره پنجم

است فعلا . . .

رئیس - راجع باصل موضوع نیست

سلیمان میرزا - بنده هم مطابق

نظامنامه عرض میکنم در این مملکت این

دوره پنجم است که از عمر مجلس میگذرد

و در تمام این مدت خیلی از آقایان و کلا

قبل از دستور و بعد از دستور مذاکرات زیادی

کرده اند و هیچ ماده هم در نظامنامه نیست

که بفرمایش آقای تدین تاریخچه گفته

نشود

در صورتیکه در قانون اساسی هست

که کلا حق دارند در هر امری از امور

مملکت آزادانه مذاکره کنند و این تاریخی

را که میفرمایند بنده میخواهم عرض کنم

یک تاریخ اقتصادی نیست در صورتیکه

فرضاً تاریخ اقتصادی هم باشد البته برای

مملکت مفید است و یکی از وظایف اولیه

مالیه است این تاریخی که بنده میخواهم

عرض کنم تاریخی است که در سیاست این

مملکت در سرنوشت این مملکت در

زندگانی آتی این مملکت در خدمت

و خلاف برای این مملکت موثر است و این

که میفرمایند مکرر این تاریخ شنیده شده

است

بلی بنده در دوره چهارم يك قسمت از

این تاریخچه را گفته ام ولی آیا حکومت

گرمان در دوره چهارم یاد آوری شده؟ آیا

قرارداد سن ژرمن یاد آوری شده بود؟ در

هر حال اگر اجازه نمی فرمائید عرضی نمی

کنم ولی بنده بکنفر و کیل هستم باید

باندازه شوکت علی و محمدعلی در بمبئی

آزادی نطق قائل نیستند عرض نمی

کنم

در هر صورت بنده مطابق حقی که

برای بکنفر و کیل باقی است بطوری که

در نظامنامه و قانون اساسی هم مطرح است

که نماینده در هر امری حق مذاکره

دارد و مطابق سابق که در مجلس بوده

است که راجع بهر چیز جزئی مدتی قبل از

دستور و پس از ختم دستور صحبت شده است

این مطلب را که یکی از همان مطالب است

باید عرض کنم

ولی حالا که گوشها برای شنیدن

حاضر نیست بنده هم عرضی ندارم اینکه

فرمودند بطور سؤال یا استیضاح اظهار

کنم این راهم میدانم

ولی بنده میخواستم تقاضای يك مذاکره

بکنم

در پایان مذاکراتم میخواستم بگویم

این تاریخی که مکرر گفته شده است و همان

طور که آقای تدین فرمودند برای اینکه

وقت تلف نشود و لایتنقطع این تاریخ تکرار

نشود باید باین قبیل تواریخ با مذاکره

خاتمه داد

حالا یا بر له یا بر علیه والا همینقدر شنیدن

و با خون سردی تلقی کردن نتیجه نخواهد

داشت

البته از دو حال خارج نیست در این

امر سیاسی یکی از متداعین محکوم خواهند

شد اگر طرف در محکمه تبرئه شد دیگر

هیچوقت مذاکره نخواهد شد و هر وقت که

یکی از او کلاخواست در این خصوص مذاکره

کند خواهند گفت که خاتمه یافته است ولی

اگر خانه پیدا نکنند این مطلب همیشه تکرار

خواهد شد

چنانچه این مسئله بکرات دیده شده

است تا یکی بخواهد بگوید فرار داد فوراً

در مقابلش میگویند مهاجرت بکنفر از

مهاجرین بنده و یکی آقای مدرس و دیگر

و دیگری اگر مهاجرت خلاف است باید

با مذاکره این را تمام کرد و راجع بخودم

عرض میکنم

مدرس - خیر بنده هم حاضر

سلیمان میرزا - در هر صورت اگر

خلاف یا صواب است باید تکلیفش معلوم

شود تا مقابل چیز دیگری واقع نشود تا

یکی بخواهد بگوید معارف فوراً میگویند

عوام فریبی بس است

تا بخواهد بگوید رعیت رنج بر می

گویند بس است حرف تحویل منده بس

بالاخره چه باید بگویند چه بخواهند بگویند

يك لفظی در مقابل او پیدا میشود عوام

فریبی دما گوزی خود ستانی قرارداد

مهاجرت

بالاخره يك روزی باید باین صحبتها

خاتمه داد که هر لحظه از هر طرف مقابل

هم واقع نشود والا همانطور که فرمودند این

مذاکراتی که بنده میخواهم بکنم يك قسمت

در دوره اول و يك قسمت در دوره چهار

و يك قسمت هم در دوره پنجم گفته شده

است

حالا بنده میخواستم تقاضا کنم که

باین مذاکرات بیک ترتیبی خاتمه داده

شود و ترتیب منطقی هم مذاکره است حالا

که میفرمائید صحبتم را نکنم نتیجه صحبتم

را عرض میکنم که مجلس يك رائی بدهد که

يك کمیسیون برای رسیدگی باین امور

تشکیل شود و رسیدگی نموده برآه یا بر

علیه هر چه هست معین و اعلام کنند تا اینکه

این قبیل مذاکرات تکرار نشود و تا یکی

حرف بزنند فوراً بگویند دما گوزی است

عوام فریبی است چه است چه است

رئیس - رأی گرفته میشود . . .

بعضی از نمایندگان - بچه چیست؟

رئیس - باینکه در آن مقوله که می

خواهند صحبت کنند میتوانند صحبت کنند

یا خیر

مدرس - خودشان تقاضای کمیسیون

کردند

رئیس - تقاضای کمیسیون رأی گرفته

شود؟ آقای سلیمان میرزا

(اجازه)

سلیمان میرزا - هر تقاضائی البته يك

مقداتی لازم دارد بنده هنوز مقدمات

صحبتم را عرض نکرده ام چگونه میتوانم نتیجه

را عرض کنم

این تقاضائی که بنده میخواهم بکنم

باید مدارک و اسناد خودم را هم بعرض آقایان

برسانم و بگویم باین اسناد و دلائل و مدارک

این مذاکره را تقاضا دارم

والا آقای ناصرنداماتی هم چندی

قبل راجع به مسئله سن ژرمن تقاضای همین

مذاکره را کردند در هر حال اگر اجازه

میفرمایند بنده عرایضم را عرض کنم و البته

آخرش منجر بهمین تقاضائی که کردم می

شود و اگر هم اجازه نمیدهید بنده نمی

پسندم که يك سابقه غریبی در مجلس گذاشته

شود بنده باندازه سهم خودم را رضی نیستم

که آزادی نطق محدود شود مطابق قانون

اساسی و نظامنامه و کلا آزادی مطلق در

اظهار عقیده خودشان دارند چه قبل از دستور

و چه پس از ختم دستور و اگر این سابقه

گذاشته شود که يك کیلی که میخواهد

قبل از دستور حرف بزند رأی بگیرند آزادی

از اقلیت مجلس هر کس که میخواهد باشد

گرفته میشود

زیرا در هر دوره اقلیتی که بخواهد

حرف بزند اکثریت رأی نمیدهند و جلو گیری

میکند

بنا بر این اگر آقایان میل دارند بنده

حرف بزنم بدون رأی هم حرف

نخواهم زد

رئیس - بس وارد دستور میشویم

قانون انتخابات مطرح است

مخبر اجفازه بومائید يك عرضی دارم

قبل از اینکه وارد دستور بشویم باید عرض کنم که عین آن پیشنهادی که بنده در هیئت محترم ریسه تقدیم کرد قبل از تعطیل آن ورقه موجود بود ولی اینچون بایک عجله تجدید نظر می شود عین آن ورقه هم در روز موجود نبود اشتباهاً بجای ماده که راجع به انتخاب انجمنهای فرعی هیئت نظارت است ماده بیست و شش یادداشت شده ماده ده که جز آن نه ماده و دوازدهم افتاد است اما میگویم از مقام محترم ریاست که از مجلس بخواهند یعنی اجازه داشته باشیم که ماده ده بجای ماده بیست و شش مطرح شود زیرا ماده بیست و شش جزء آن ماده در پیشنهائی نبود در هر عکس آن ماده در جزء بود ولی بواسطه نبودن آن ورقه ماده ده از قلم افتاد ماده بیست و شش صورت داده شد حالا استدعا دارم ماده ده مطرح شود رئیس ماده ده قرائت می شود (بشرح آتی خوانده شد)

ماده ۱۰ انجمن نظارت مرکزی پس از تعیین هیئت عامله خود بلا تأخیر مطابق جدول منظم بقانون اقدام بتشکیل انجمنهای فرعی که متصدی و مسئول بصحت انتخابات محل خود خواهند بود منباید این نحو که بوسیله حکومت مرکزی بحکام جزء دستور میدهید که مطابق ماده هشتم اینقانون انجمنهای فرعی را انتخاب نمایند

در تقاضای که حضور اهالی در انجمن های مرکزی یا فرعی برای شرکت در انتخابات متعسر است انجمنهای مرکزی یا فرعی باموافقت حکومت محل نه نفر از متعین اهل محل را برای تشکیل شمه انجمن مرکزی یا فرعی معین میکنند رئیس این ماده مغالطی ندارد آقای میرزا ابدا له خان (اجازه)

میرزا ابدا له خان در اینجا نوشته میشود مطابق جدول منضم اینقانون در اینجا جدولی دیده نمی شود خوب است توضیح بدهند مخیر میرزا از قانون که در اینجا ذکر شده است قانون انتخاباتی است که جدول مساضمه آن است منتهی ما اینجا نماده الفا از آن قانون انتخابات را نقل و نه ماده الفا شده اضافه کردیم و مراد از جدول منضم بقانون همان جدول سابق است

رئیس - رای گرفته میشود بماده ده فرمایند

(اغلب برخاستند)

رئیس - تصویب شد ماده بیست و هشت

ماده ۲۸ - انتخاب کنندگان پس از گرفتن تعرفه بلافاصله بدون اینکه از انجمن خارج شوند ورقه رای خود را در جمهرای انداخته تعرفه خود را بمشانی انجمن مدهند که باطل نموده بصاحب آن مسترد دارد

رئیس - مغالطی ندارد؟ بعضی از نمایندگان - خیر رئیس - رأی میگیریم - آقایانی که با این ماده موافقت قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده پنجاه و یک (بترتب ذیل خوانده شد)

ماده ۱۰ (بجای ماده ۵ قانون سابق) مدت دوره تقنینیه دو سال شمسی است و ابتدای آن روزی است که نمایندگان سه روم از نمایندگان حاضر در طهران تصدیق شده باشد

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب این ماده در واقع توضیح داده است ماده ۵ قانون اساسی را زیرا ماده ۵ قانون اساسی مینویسد: منتخبین از برای مدت دو سال تمام انتخاب میشوند و ابتدای این مدت از روزی است که منتخبین ولایات تماماً در طهران حاضر خواهند شد

پس در واقع این ماده سر جای آن ماده می نشیند

حالا اگر این ماده ناسخ آن ماده است بطور میتواند ماده قانون اساسی را نسخ کند مگر اینکه ما بگوئیم توضیح است و این يك توضیحی است که به آن نمی چسبند زیرا مبین باید از جنس مبین باشد و این يك بیان است که ربطان ندارند بنده ناچارم این را تحت مسئله علم در آورم که آقایان جواب بنده را بدهند اولاً بنده این را میدانم که بالاخره اکثریت بان مسئله رای خواهند داد ولو اینکه هزار برهان قاطع هم بنده بعقیده خود عرض کنم و مثل آفتاب هم روشن باشد

بنده يك مسئله علمی سؤال میکنم همه آقایان در موقع انقلاب بودند در دوره اول که مجلس افتتاح شد از میان رفت و بعد از آن انقلابات انجمن های ایرالتی و ولایتی حق دادند بانجمن ایرالتی آذربایجان برای اینکه تجدید نظری در مواد قانون اساسی که راجع به انتخابات است بنمایند و این حق که راجع به مراجع با آراء عمومی بانجمن ایرالتی آذربایجان داده شده بود انجمن ایرالتی آذربایجان این حق خودش را داد بمجلس دوم پس مجلس دوم بمراجعه به آراء عمومی دارای این حق شد در واقع مثل مجلس موسسان شد یعنی حق وضع چهار پنج ماده قانون انتخابات در قانون اساسی دارا شد

معتیش این است که موادی را که در این موضوع وضع میکنند مواد قانون اساسی است و موادی نیست که در هر دوره بواسطه اکثریت میتوان آن را تغییر داد است بمجلس دوم داده شد آن هم نه در تمام مواد در این چند ماده که راجع بقانون

انتخابات است تغییر آتی بدهند پس این موادی را که مجلس دوم وضع کرده است و بجای آن چند ماده سابق گذاشته است بنده آن ها را بمنزله قانون اساسی می دانم

یعنی موادی میدانم که غیر قابل تغییر است یکی از رفتای فاضل مایک روز اظهار می داشتند که هیچ مفتاحی برای ورود ما در تغییر قانون اساسی پیدا نشده است مگر انقلابی که پیش آمده يك چنین حق بمجلس دوم داده شده مانمی توانیم در قانون اساسی دخالت کنیم مگر وقتی که چنین حقی را دارا شویم

قانون اساسی سدی است که از طرف ملت بدست ماداده شده است ولی این را باید محکم بداریم تا بعد بخلف خود بدهیم و بقدر امکان در این مواد باید با فشاری کنیم

حالا که این مسئله ثابت شد پس من مواد قانون انتخابات که در دوره دوم مجلس گذشته مواد قانون اساسی میدانم و مواد قانون اساسی که شد قابل تغییر نیست ولی قابل شرح هست

اما يك شرحی که به متن پنجمه نیک شرح سیاه و سفید که سیاه بسفید بچسباند بسیار بسفید در قانون انتخابات نوشته شده است ۳ ماه بآخر دوره مانده انتخابات باید اعلان شود این اینجا میگوید ۵ ماه یا ۶ ماه بآخر دوره مانده انتخابات باید اعلان شود و این صحیح نیست زیرا بنظر بنده مجلس ثانی در این مواد جانشین مجلس موسسان بوده و از این جهت این مواد در شمار مواد قانون اساسی و غیر قابل تغییر است و نباید آنها را تغییر داد و بلطائف گذراند و بمرایش آقای ملک نباید نسبت بانها سهل انگاری کرد از این جهت بنده بان تغییر این مواد که جزو قانون اساسی میدانم مغالطه زیرا قانون اساسی بدست ماداده و ما نمی توانیم در او مداخله کنیم

این بود عرایض بنده در این مقصود حالا اگر جوابی دارند بفرمایند والا مربوط برای و نظر اکثریت است

مخیر - در این خصوص اگر خاطر نماینده محترم باشد در دوره چهارم هم مذاکره زیاد بعمل آمد و همین اشکالاتی که حالا آقا اظهار فرمودند در آن موقع از طرف بعضی از نمایندگان مفضلتر و مشروحتر شد و جواب هم داده شد و بالاخره مجلس چهارم در رد این اشکالات يك رأی هم داد

قضیه همان است که يك قسمتش راهم خود ناطق محترم اشاره کردند پس از اینکه دولت خواست مجلس ثانی را تشکیل دهد یعنی در موقعی که مجلس دوم در شرف افتتاح بود چون

دیدند که مجلس اول که بطور طبقاتی و اضافی بود غیر عملی است و اگر بمغواستند بود آن تکیه کنند شاید انتخابات دوره دوم اصلاً صورت نگیرد و از آنجا که آنها هم نمیشد تغییر داد لذا همانطور که اظهار کردند يك رف اندومی بعمل آمد و يك کمیسیونی در طهران از صلحاء و نمایندگان دوره اول و اشخاصی که در قضایای ملی ذمعلقه بودند تشکیل و معین شد و بانجمله های ایالتی و ولایتی ایران تلگرافات که دو اشکالاتی که در نظر راجع برای انتخابات بنظر میرسد و هم منظور تغییراتیکه نسبت بچند اصل از قانون اساسی در نظر داشتند اطلاع دادند و بطریق افکار عمومی بآن ها مراجعه کردند و تقاضا کردند در این باب يك مساعفت فکری از طرف ایالات و ولایات بشود

و از ولایات هم بانجمن ایرالتی آذربایجان تلگراف کردند و عموماً بطریق ملکت بانجمن مزبور حق دادند که این کار را بکنند

خود بنده در آنوقت خراسان بودم و انجمن ایرالتی مردم را خواست و نطقهای بلقروا ادا شد صحت هاشد

بالاخره چنانچه عرض کردم همچو قرار شد که حل این قضیه باختیار انجمن آذربایجان واگذار گردد که با شرکت انجمن مشکله در مرکز تصمیم اتخاذ کند و قانون انتخابات دوره اول را که بطور طبقاتی بود اصلاح کنند و در عرض قانون انتخابات دو درجه که مجلس دوم هم بآن انتخاب شد وضع شده و در نتیجه چهار پنج اصل از قانون اساسی لغو و بجای آن مسائل دیگری داخل نظامنامه انتخابات شد و در حقیقت این چهار پنج اصل از قانون اساسی در نتیجه رفتارندوم و مراجعه بانفکار عمومی لغو و بجای آن يك قانون عادی که با همان نظامنامه در ورقه عادی باشد گذاشته شده است

و مجلس دوم هم نظر بانیکه آن انتخابات را چیز عادی میدانست از این جهت در او دخالت کرد و آن قانون انتخابات در مجلس دوم نسخ شد

در عرض همین قانون انتخاباتی که فعلا ما در اصلاح آن داخلیم وضع شد که مجلس دوم سوم و چهارم و پنجم با همین قانون و همین اصول انتخاب شدند

وما نظر بانیکه قانون انتخابات را حالا يك قانون عادی میدانیم و چنانچه عرض شد نظر بسابقه ای که در دوره دوم گذاشته شده آن اصول سابق را منقوض میدانیم لذا حق داریم که در قانون انتخابات دخالت کرده و باصلاح آن مبادرت کنیم و هیچ اشکالی هم در این امر برای ما متصور نیست

در مجلس چهارم هم يك رأی در این موضوع داده شد ولی چون عملی ندانستند

تعیین نکردند

اگر بنا میشد ما قانون انتخابات را قانون اساسی بدانیم و قانون عادی بدانیم پس انتخابات ادوار سوم و چهارم و پنجم تقنینیه را ملغی بدانیم و باید اذعان کنیم که يك مجلس لغوی بود است و بنده و آقا سید یعقوب باید بی کار خودمان برویم

رئیس - آقای اخگر (اجازه)

اخگر - بنده موافقم پس از يك مغالطه عرض خواهم کرد

رئیس - آقای محمد هاشم میرزا (اجازه)

شاهزاده محمد هاشم میرزا - بنده هم موافقم پس از يك مغالطه

رئیس - آقای آقا شیخ فرج الله (اجازه)

آقا شیخ فرج الله - عبارت اصل پنجم از قانون اساسی اینست که میخوانم: «منتخبین از برای دو سال تمام انتخاب میشوند و ابتدای این مدت از روزی است که منتخبین ولایات تماماً در طهران حاضر خواهند شد پس از انقضای مدت دو سال باید نمایندگان مجدداً انتخاب شوند و مردم معتزله هر يك از منتخبین سابق که بخواهند الی آخر» عقیده آقایان اینست که این اصل از قانون اساسی در دوره دوم مراجعه بمبدل بيك قانون عادی شده و از این لحاظ آن مواد را تغییر داده اند بنده این اظهار راضیح نمیدانم برای اشخاصی که مأمور تدوین قانون انتخابات بودند نسبت بقسمتی از اصول قانون اساسی آزاد بودند که تغییر بدهند پس عملیات آنها در حکم اعمال هیئت مؤسسان است و بنابر این نمیتوان آن را تغییر داد دیگر لازم میدانم توجه آقایان را بماده چهل و نه قانون انتخابات جلب کنم

ماده ۴۹ در حکم قانون اساسی است و مینویسد: «بعد از حضور نصف بملاوه بيك از نمایندگان مجلس تشکیل خواهد شد و بعد در ماده پنجاه همان قانون که مثل بيك اصل قانون اساسی است مینویسد مدت دوره تقنینیه دو سال است از روزی که عاریت از روزی است که نصف بملاوه بيك از روزی در مرکز حاضر باشند ولی در اینجا نوشته پس از این که سه ربع از اعتبارنامه ها تصویب شد آنوقت مجلس اسمی است و این ترتیب مخالف آن اصول قانون اساسی است

بنابر این بنده هیچ مجوزی نمی بینم مجلس بدون يك دلالت واضح تری که حقاً مستلزم تغییر قانون اساسی باشد داخل در این اقدام شود

علاوه بر این در اصل پنجاهم که در موقع تدوین قانون انتخابات تغییر حاصل نکرده مصرح است که دوره مجلس دو سال است بنابر این هیچ علتی ندارد که ما

بگوئیم بعد از تصویب سه ربع از اعتبارنامه های آقایان نمایندگان آنوقت مجلس تشکیل خواهد شد از نقطه نظر اهمیت قضیه و علاقه که بقانون اساسی باید داشته بنده از نمایندگان محترم تقاضا میکنم که دقت بیشتری در این مسئله بفرمایند

رئیس - شاهزاده محمد هاشم میرزا (اجازه)

شاهزاده محمد هاشم میرزا - اگر چه بنده گمان میکنم بعد از مذاکرات آقای آقا سید یعقوب و جوابی که آقای ملک و آقای اخگر دادند مطلب خاتمه یافته است ولی نظر بانیکه مطلب مهم است ضرری ندارد توضیح بیشتری داده شود تا برای آقای آقا سید یعقوب هم سوء تفاهمی حاصل نشود ایشان میفرمایند اگر حرف حسابی هم زده شود در خواهد شد

خیر اینطور نیست اگر يك دلالت اساسی دارید اظهار بفرمایند البته قبول میکنم این فرمایشاتی که میفرمودید تمام صحیح بود فقط مادريك جا اختلاف داریم و آن این است که باید فهمید این چهار ماده قانون اساسی است یا قانون عادی است؟

باقی مقدمات را ما هم قبول داریم و آنها اختلافی نیست بنده در انتخابات دوره دوم که یازده ماه طول کشیده بود مکرراً این مطلب هم مذاکره شده است در صورت مجلس هالم شاید مذاکرات درج باشد

مذاکرات در این زمینه بود که آیا این واد جزو قانون عادی است بهمان دلیلی که آقای اخگر الان متذکر شدند ما آن مواد را جزو قانون عادی تصور و تلقی میکنیم زیرا ملحق بقانون اساسی نیست

چنانچه اگر عمل دوره های مجلس ملاحظه شود این قضیه ببعربی معلوم خواهد شد

مثلاً در قانون پرودت تجارتی که در دوره دوم چند ماده نسخ کردیم و چند ماده بجای دیگر نوشتیم آن چند ماده راضیمه بهمان قانون کردیم و با همان قانون تنظیم کردیم همین طور در قانون اوقاف که نوشتیم تولید باشخص سلطان عصر است اصلاح هر يك از قوانین و مواد را بخود قانون منظم کردیم و ضمیمه آن نمودیم عرض این است هر ماده از قانون که اصلاح میشد مسائل متفرقه را ضمیمه خود قانون می کردیم و در این جامه اگر این مواد جزء قانون اساسی بود می بایستی جزء قانون اساسی در آید نه جزء قانون عادی مثلاً در قانون انتخابات عده نمایندگان را صد و بیست نفر معین کرده اند پس از رفتارندوم ما صد و سی و شش نفر نوشتیم پس معلوم می شود این قانون عادی اما راجع بدو سال و سه سال همانطور

نمیبند نکردند

اگر بنا میشد ما قانون انتخابات را قانون اساسی بدانیم و قانون عادی بدانیم پس انتخابات ادوار سوم و چهارم و پنجم تقنینیه را ملغی بدانیم و باید اذعان کنیم که يك مجلس لغوی بود است و بنده و آقا سید یعقوب باید بی کار خودمان برویم

رئیس - آقای اخگر (اجازه)

اخگر - بنده موافقم پس از يك مغالطه عرض خواهم کرد

رئیس - آقای محمد هاشم میرزا (اجازه)

شاهزاده محمد هاشم میرزا - بنده هم موافقم پس از يك مغالطه

رئیس - آقای آقا شیخ فرج الله (اجازه)

آقا شیخ فرج الله - عبارت اصل پنجم از قانون اساسی اینست که میخوانم: «منتخبین از برای دو سال تمام انتخاب میشوند و ابتدای این مدت از روزی است که منتخبین ولایات تماماً در طهران حاضر خواهند شد پس از انقضای مدت دو سال باید نمایندگان مجدداً انتخاب شوند و مردم معتزله هر يك از منتخبین سابق که بخواهند الی آخر» عقیده آقایان اینست که این اصل از قانون اساسی در دوره دوم مراجعه بمبدل بيك قانون عادی شده و از این لحاظ آن مواد را تغییر داده اند بنده این اظهار راضیح نمیدانم برای اشخاصی که مأمور تدوین قانون انتخابات بودند نسبت بقسمتی از اصول قانون اساسی آزاد بودند که تغییر بدهند پس عملیات آنها در حکم اعمال هیئت مؤسسان است و بنابر این نمیتوان آن را تغییر داد دیگر لازم میدانم توجه آقایان را بماده چهل و نه قانون انتخابات جلب کنم

ماده ۴۹ در حکم قانون اساسی است و مینویسد: «بعد از حضور نصف بملاوه بيك از نمایندگان مجلس تشکیل خواهد شد و بعد در ماده پنجاه همان قانون که مثل بيك اصل قانون اساسی است مینویسد مدت دوره تقنینیه دو سال است از روزی که عاریت از روزی است که نصف بملاوه بيك از روزی در مرکز حاضر باشند ولی در اینجا نوشته پس از این که سه ربع از اعتبارنامه ها تصویب شد آنوقت مجلس اسمی است و این ترتیب مخالف آن اصول قانون اساسی است

بنابر این بنده هیچ مجوزی نمی بینم مجلس بدون يك دلالت واضح تری که حقاً مستلزم تغییر قانون اساسی باشد داخل در این اقدام شود

علاوه بر این در اصل پنجاهم که در موقع تدوین قانون انتخابات تغییر حاصل نکرده مصرح است که دوره مجلس دو سال است بنابر این هیچ علتی ندارد که ما

که فرمودند در مجلس چهارم هم این موضوع مطرح و مذاکرات زیاد در آن شد بالاخره معلوم شد که این قسمت هم جزو قانون عادی است منتهی يك اشکالی آقای سلیمان میرزا کردند که در این قسمت هم يك جزو عاریت و بيك جزو قانون اساسی است و نباید تغییر داده بشود و این هم همان قسمتی است که دیروز حل شد

و اینکه آقای شریعت زاده میفرمایند این اصلاح که شده مخالفت دارد با آن دو ماده از قانون اساسی باید عرض کنم که مغالطی ندارد برای اینکه مجلس دو حال دارد

يك وقت این است که کی مجلس تشکیل میشود يك وقت این است که کی مجلس صلاحیت قانون گذاری را دارد و می تواند در امور ممکت دخالت کند در قسمت اولی یعنی در قسمت افتتاح مجلس در آنجا نوشته وقتی که نصف بملاوه بيك باشصت و نه ۶۹ نفر از کلا حاضر بودند مجلس تشکیل خواهد شد

حالا اعم از اینکه اعتبارنامه این و کلاه صحیح باشد یا نباشد رد شود یا قبول شود همین قدر که شصت و نه نفر مدعی وکالت شدند آن روز مجلس تشکیل خواهد شد حق دارد افتتاح خود را اعلان کرده بوظافتی که در قانون اساسی برایش مقرر است اقدام بعمل نماید ولی باید دانست که او صلاحیت قانون گذاری را ندارد

پس کی صلاحیت قانون گذاری را خواهد داشت؟

آن روزی که مطابق قانون اساسی سه ربع اعتبارنامه نمایندگان از مجلس گذشته باشد آنروز حق قانون گذاری را دارد دولت می تواند اگر قوانینی دارد به مجلس بیاورد و تحت شورش بگذارد یا خودش را معرفی کند

آنوقت نمایندگان میتوانند عرایضی که در قانون گذاری وغیره دارند بنمایند پس دوره حقیقی تقنینیه در حقیقت عبارت از روزی است که مجلس صلاحیت وضع قانون را داشته باشد نه آن روزی که شصت و نه نفر که هنوز معلوم نیست و کبیل هستند یا نه؟

اعتبارنامه شان قبول می شود یا رد؟ صلاحیت قانون گذاری را خواهند داشت یا نه؟

در مجلس جمع شوند و مجلسی را افتتاح کنند روز افتتاح جزو دوره تقنینیه محسوب نیست بلکه چنانچه عرض شد ابتدای دوره تقنینیه از وقتی است که مجلس می تواند قانون وضع کند و آنهم همان موقعی است که سه ربع از اعتبارنامه نمایندگان تصویب شده باشد و این بیش بینی هم خیلی خوب است و بایست هم همین طور باشد

زیرا ممکن است يك ماه در ماه يك اشخاصی بمجلس بیایند ولی بالاخره صلاحیت قانونگذاری را پیدا نکنند و وکیل هم نباشد و اینموقع موقعی است که مجلس مقدمات قانون گذاری را فراهم بیاورد و اعتبار نامه ها را تصویب کند

از این جهت منافاتی ندارد بهر حال دوره تقنینیه دو سال است و ابتدای آن از روزی است که مجلس صلاحیت قانون گذاری پیدا کند هر روزی که مجلس افتتاح شود نظر بدلائل فوق این مواد جزو قانون معارفست نه قانون اساسی

برای اینکه اگر جزو قانون اساسی بود اولاً میبایستی خود قانون اساسی نوشته باشد و ثانیاً این همه مذاکرات در دوره چهارم در اطراف آن نمی شد

و قانون اساسی هم بهمان ترتیب مرتب می شود که فرمودند که تا مراجعه بآراء عمومی ملت نشود

هیچ مجلس عادی حق ندارد که يك جز از آن را تغییر بدهد و آنهم در صورتی است که تغییر آن را صلاح مملکت بدانند و آزادی انتخابات و آزادی عقاید و آزادی آراء هم موجود باشد

در هر صورت گمان میکنم این ماده اشکالی نداشته باشد

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی رئیس - رای میگیریم بماده ۱۰ آقايانی که این ماده را تصویب می کنند قیام (اغلب نمایندگان قیام نمودند)

رئیس تصویب شد ماده ۲۰

شرح آتی قرائت گردید

ماده ۲۰ (بجای ماده ۱۰ قانون سابق) مخارج مسافرت نمایندگان کار از محل انتخاب الی طهران ذهاباً و اياباً از قرار فرسخی يك تومن دولت ادا نمیکند مخارج لازم متعلقه بابتخابات را بر طبق حواله وزارت داخله فوراً دولت میپردازد

رئیس - آقای اخگر (اجازه)

اخگر - بنده موافقم بعد از يك مخالف رئیس - آقای روحی (اجازه)

روحی - بنده متأسفانه با این ماده مخالفم و مخالفت بنده هم بیشتر از روی عایدات مملکت است و طرز مخارجاتی است که مابطور کلی می کنیم بهر رسم و ترتیب در هر کجای دنیا این است که هر نوع مخارجی که بیش آمد میکند آن مخارج را تطبیق می دهند با عایدات آن مملکت جز در مملکت ما که مخارج مامل سایر مخارج ممالک دنیا است

ولی عایداتمان خیلی کم است و يك طبقه مخصوصی مالیات میدهند که آن ها

طبقه را برای بیچاره هستند و بس و الا يك طبقه اعضا اداراتند يك طبقه وزراء هستند و كلا که اینها حقوق میگیرند و از این پول هائیکه از رعایا گرفته میشود يك قرائش هم صرف سعادت جامعه نمی شود

بنده اصولاً در مخارج مخصوصاً بالنسبه با آقايان نمایندگان عقیده دارم که از خودشان شروع کنند و این پولهای زیادی که امروز بعنوان حقوق بيك عهده داده میشود از آن ها بکاهند اگر آقايان نمایندگان البته از خودشان کسر کنند

چنانچه بنده در کمیسیون محاسبات هم عرض کردم که مثلاً آقايان و کلا عهده تومن حقوق میگیرند و وزراء هم می توانند بگویند که باید چهار صد تومن حقوق بگیرند میتوانند بمدير کل بگویند تو هم دو صدت و پنجاه تومن بگیر و نباید بیشتر بگیری

اما اگر بغواهند و کلاه مثلا خرج مسافرت خودشان را هم زیاد کنند ديگر نمیتوانند اين تعرفه ها را بزنند و جمع و خرج مملکت را نمادل بدهند و این مخارج زیادی این مملکت را حذف کنند در هر صورت بنده با همان پنجقران سابق موافقم و مخصوصاً از آقايان تقاضا می کنم که موافقت فرمایند و از این خرج سفر بکاهند تا بتوانند اقلاً از مخارج بیهوده سایر ادارات و از این قانون استفاده می که مالیات مملکت را می بدهد و شاید تا چند سال ديگر جامعه مملکت را در رکست کند بکاهند و کسر کنند بنا بر این بنده تقاضای کنم بهمان پنجقران قناعت شود و این يك نان حلالی است که از طرف ملت تقدیم ایشان می شود

رئیس - آقای حائری زاده (اجازه)

حائری زاده بنده خیلی این نظریه نماینده محترم را تقدیس می کنم و متشکرم که در تمام قضایا این نظر صریح جوئی را تعقیب فرمایند ولی از نظر نباید دور کرد که بهمان فلسفه که حقوق و کلاه مصاعف شده بهمان فلسفه هم برای مخارج مسافرت و کلائی آتی بهمان اضافه پیش بینی کرده اند و با اینکه مضاعف پیش بینی کرده اند نصف مخارج را که وزارت مالیه میدهد بيك نفر مدير اداره (بارتبه و مقاماتی را که مادار هستند) نمیشود و نباید ما هم حقوق و رتبه يك نفر و کيل را از يك نفر رئیس اداره کمتر بدانیم هر چند معلوم نیست و کلائی بعد از امثال ما باشند ولی ما این قانون را برای و کلاه بعد می نویسیم و باید اخلاقاً رعایت این مسئله را بکنیم که لافل نصف آن چیزی را که وزارت مالیه برای مخارج مسافرت بيك نفر رئیس اداره اش معین کرد مادر باره نمایندگان منظور کنیم

رئیس - شاهزاده محمد هاشم میرزا (اجازه)

محمد هاشم میرزا - بنده موافقم

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

(پیشنهاد آقای زعيم شرح آتی خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم مخارج مسافرت آمدن بر کز فقط منظور شود و آن هم فرسخی دو تومن باشد

رئیس - آقای زعيم (اجازه)

زعيم این قانون که ذکر شده مخارج اياب و ذهاب ممکن است اغلب نمایندگان که از ولایات میآیند بر کز میل بمراجعت نداشته باشند و اضافه مکرر شده است که آقايان نمایندگان که از ولایات می آیند بر کز در بین مدت و کالشان برای امور شخصی خودشان بمحل انتخاب خودشان مسافرت می کنند و این خرج مسافرت کلیه درهه جا داده شود یعنی خرج این اياب و ذهاب را هم مطالبه می کنند در صورتیکه این خرج مسافرت برای حضور آنها در مرکز عمل است

بنده تصور می کنم نمایندگان که حرکت میکنند از محل خود تا خرج سفر را می دهند برای اینکه بر کز بیایند و فرسخی يك تومن هم برای مخارج حرکتشان بر کز کم است و در سایر ادارات هم میزان فرسخی صد يك حقوق است بنا بر این پیشنهاد کردم دو تومن باشد

مخبر - بلی بنظر بنده فرمایشات آقای زعيم نتیجه اش با زمین این ماده میشود ولی آنطوریکه فرمودند که آقايان میآیند بر کز و میمانند اشتباه است اغلب آقايان تشریف می آورند پس از اینکه دوره و کالشان طی شد میروند سر زندگانی خودشان و قاضه خرج راه اياب و ذهاب است بحکم اینکه در طهران میمانند ما نمی توانیم خرج سفر بر کشتن آنها را حذف کنیم بلی اگر کسی نتواند بر گردد و در طهران بماند البته خرج بر کشتن باو داده نخواهد شد و این پول بفق دولت در خزانه دولت ضبط میشود

رئیس - رای میگیریم پیشنهاد آقای زعيم آقايانی که پیشنهاد ایشان را قابل توجه میدانند قیام فرمایند (کسی قیام نکرد)

رئیس - قابل توجه نشد - پیشنهاد آقای مدرس

(اینطور قرائت گردید)

پیشنهاد می نمایم ماده پنجده و بطریق ذیل نوشته شود

مخارج مسافرت نمایندگان بعد از انتخاب شدن از محل الی آخر

مدرس - توضیح بنده این است که بعضی از آقايان هستند که در مرکزاند و از ولایات انتخاب میشوند و این توضیح برای است که آنها خیال نکنند مخارج مسافرت

تیرسانه رای میگیریم پیشنهاد آقای رضوی آقايانیکه با پیشنهاد ایشان موافقت قیام فرمایند

(عده قلی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد رای میگیریم بماده پنجاه دو آقايانی که این ماده را تصویب میکنند قیام فرمایند

(اغلب نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شده ماده پنجاه و چهار که بجای ماده پنجاه و سه قانون سابق قرائت میشود

(بترتیب ذیل قرائت گردید)

ماده ۲۰ (بجای ماده ۳ قانون سابق) وزارت داخله مکلف است که شش ماه بآخر هر دوره تقنینیه مانده بقیه مقدمات و وسایل انتخابات دوره بعد (از قبیل طبع و ارسال اوراق لازم و انتخاب اعضای انجمنهای نظارت مرکزی و فرعی و شعب و صدور حواججات برای مخارج انتخابات و خرج سفر نمایندگان و غیرها) شروع نماید بنحوی که چهار ماه بآخر آن دوره مانده حکم راجع بانتخابات عمومی دوره بعد دراد کليه حوزه های انتخابیه (اصليه و فرعيه) مملکت اعلام و اجرا نماید

تبصره - در تمام حوزه های انتخابیه باید انتخابات در زمان واحد شروع شود

رئیس - شاهزاده محمد هاشم میرزا (اجازه)

محمد هاشم میرزا - بنده هم باشماه مخالفم و آن را زیاد می دانم و هم در تبصره والا اصل ماده و مطالبی که در آن مندرج است خیلی خوب و بنده هم با آنها موافقم و برای سرعت جریان انتخابات بسیار خوب پیش بینی شده است و اما راجع بشش ماه در همان دوره دوم که این قانون انتخابات فعلی نوشته اند در همان دوره هم مذاکره بشش ماه بود ولی بنده موافقت نمی کنم با این تبصره بنده نباید خیلی در را باشد چون یکی از مطالب مهمی که خیلی باید منظور نظر باشد این است که باید امداد مردم مجلس تمام مکررات نباشد چون افکار مردم تندتر میشود - کندتر میشود - نظریاتی پیدا میکنند در مصالح مملکت و و کلائی خودشان را تجربه میکنند

یکی را می یسند و دیگری را نمی یسندند یا مایل میشوند که صاحبان افکار جوانتر و بهتری را وکیل کنند و بفرستند به مجلس

در هر صورت باید حتی الامکان يك کاری نکرد که کلیه اختیار مردم کم شود

بعقیده بنده شش ماه بآخر دوره اگر بنا شود که اعلان انتخابات داده شود (بنده عقیده خودم را عرض میکنم راجع بکسی ديگر نیست)

ممکن است يك اعمال نفوذ هائی در انتخابات برای وکالت خود بکنم و اگر مدت کمتر باشد شاید نتوانم آن اعمال نفوذها را بکنم باینجهت و برای اینکه يك قسمت های تازه ای هم پیدا شود که تعدیل کند افکار سابق را با آینده چه از نقطه نظر کندی و چه از نقطه نظر تندى مقصود اختلاف نظری است که مردم پیدا میکنند و نسبت بمصالح مملکت و نظرهای سیاسی که طوری نشود که بتوان يك اعمال نفوذ هائی کرد

در انتخابات بنده شش ماه را زائد و همان سه ماه را کافی میدانم

با این حال هر چه دلتان میخواهد بکنید ولی این چهار ماه را هم بنده زائد میدانم

راجع بقسمت تبصره هم که نوشته است در يك موقع در تمام مملکت باید انتخابات شروع شود

بنده اینرا هم غیر عملی میدانم

زیرا وسائل انتخابات در ایران مثل سایر نقاط دنیا فراهم نیست که در يك روز انتخابات شروع شود

برای اینکه در يك نقطه مشغول جنگند در يك نقطه مشغول اصلاحاتند يك نقطه موجدانش فراهم نیست و در يك روز عملی نیست که بتوان در تمام مملکت شروع بانتخابات نمود

در قسمت اولیه که مینویسد : چهار ماه بآخر دوره مانده حکم ولی این تبصره که تأکید می کند خوب نیست

حالا بنده بعد از يك روز مثلاً انتخاب شدن آقايان باید بشوم ؟

اگر مقصود قوه مجریه است که اعمال نفوذ میکند در آن قسمت همیشه ممکنست این حرف را زد

بعلاوه این تبصره باین صراحت اسباب اشکال میشود

چونکه مینویسد : در زمان واحد انتخابات باید شروع شود چهار روز پنجروز تفرقه که مؤثر در انتخابات است دیرتر برسد

حالا باین ترتیب آیا باید آن نماینده که سه روز بعد انتخاب شده است رد بشود ؟

بنظر بنده اگر بهمان قسمت اول قناعت شود بهتر است و بالاخره بنده این تبصره را زائد و غیر عملی میدانم و با آن مخالفم ديگر بستم بنظر آقايانست

مخبر - خلاصه فرمایشات ناطق محترم این بود که اگر شش ماه یا چهار ماه بآخر دوره مانده انتخابات شروع شود ممکن است بعضی از کلا عمل نفوذ بکنند

خلاصه مذاکرات ایشان این بود

در قسمت اول اگر آن موجداتی که کمیسیون تجدید نظر در قانون انتخابات برای اتخاذ این تصمیم در نظر گرفته حضرت والا در نظر میگیرند این اشکال را شاید نیفرمودند یا اینکه ترتیب و گزارشات شش ساله یا چهار ساله دوره های فترت را از نظر خودشان در مرتبه قبلی می دادند این فرمایشات را نمیفرمودند

ما مبتلی هستیم بيك امراض و يك دردهای بزرگ گبری و البته در موقع علاج آن دردهای بزرگتر اگر يك اشکالی هم ببینیم باید آن صرف نظر کنیم

برای جلوگیری از فترت و برای اینکه لافل يك سال بیشتر طول نکشد و اصل صریح قانون اساسی که می گوید اصول مشروطیت تعطیل بردار نیست و باطل نشود

ما این فکر را کردیم و بالاخره سه ماهی که باید به آخر دوره مانده انتخابات شروع شود مطابق قانون سابق ما این سه ماه را بچهار ماه تبدیل کردیم و این هم برای اینست که در سابق وقتی که و کلا اعتراض میکردند که چرا انتخابات بتأخیر افتاد عذر می آوردند که سه ماه به آخر دوره مانده مشغول شدیم

ولی تهیه ارسال آنها بنقاط زحمت داشته است و موجب تعویق انتخابات گردیده برای اینکه این حرف را زنند ما شش ماه به آخر دوره را مین کردیم که وزارت داخله در این مدت اوراق را چاپ کند و بولایات بفرستد و دستور العمل بدهد که چهار ماه به آخر دوره مانده انتخابات را شروع کنند و ديگر دولت عذری نداشته باشد در مقابل مجلس که بگوید اوراق تفرقه نرسیده یا عذر ديگری بیاورد و باین وسیله انتخابات را عقب بیندازد تا بقیه مجلس منجر شود که بالاخره هر چه دلشان میخواهد در انتخابات اعمال نفوذ و اعمال افراض کنند

بعقیده بنده بهترین و نافعترین موادی که در انتخابات اصلاح شده است همین ماده است که حقوق ملت را در مقابل مداخلات نامشروع دولت حفظ میکند حقوق مردم را در مقابل مداخلات نامشروع و نفوذ احکام فقط و فقط این يك ماده است که حفظ میکند و بالاخره این يك ماده است بشما امیدواری میدهد که احتمال دارد مجلس ششم و هفتم تشکیل شود در اینصورت باید موافقت فرمایید که این ماده تصویب شود و اگر وقت میداشتم بنده عقیده ام این بود که شش ماه به آخر دوره مانده انتخابات باید شروع شود

ولی چون وقتمان کافی نیست و استدعا دارم که آقايان موافقت فرمایند اما در خصوص این تبصره بنده اساساً این تبصره را هم فوق العاده مفید میدانم زیرا یکی از همل ایجاد دوره های فترت قضیه يك ساخت

يك نواخت نبودن انتخابات است در تمام ایران و مکرر مادیده ایم که انتخابات را دولتها در طهران شروع مینمودند و داوطلبان وکالت هم می آمدند در طهران وقتی که از اینجا مابوس میشدند باز بيك نقطه ديگر میرفتند و بالنسبه تمام نقاط ایران معرض هجوم سيل آسای داوطلبان طهران و اجعافات واقع میشد و مردمان ایالات و ولایات کاملاً در تحت فشار و اجعافات اهالی بايغت بودند و چاره که برای جلوگیری از این سيل تهاجمات بنظر ما رسید این بود

ولی حالا میفرمایند در عمل اسباب اشکال میشود با اساساً عملی نیست خوبست یکی از آقايان پیشنهاد کند که اضافه شود در صورت عدم مانع که آن نظر حضرت والا هم تأمین شود (بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی نیست)

رئیس - رای میگیریم آقايانی که مذاکرات را کافی می دانند قیام فرمایند

(اغلب نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - اکثریتست - پیشنهاد آقای مدرس

(شرح ذیل قرائت شد)

مدرس - پیشنهاد میکنم بجای شش ماه پنج ماه نوشته شود

رئیس - بفرمایند

مدرس - توضیحش معلومست زیرا شش ماه مقدور نیست و باید يك مدتی باشد که مقدور باشد و پنج ماه مقدور است و عملی تر هم خواهد بود

مخبر - بنده هم موافقم با پیشنهاد آقا

کازرونی - بنده مخالفم

رئیس - بفرمایند

کازرونی - ما کم کم میخواهیم کار را تملیق بامر محال بکنیم یعنی میخواهیم در ظرف چهار ماه

بالاخره دوره باقی مانده در تمام نقاط مملکت شروع بانتخابات مینمایم و آنوقت تهیه وسائل انتخابات را هم از پنجاه قبل از اختتام دوره بنمایم در صورتیکه در قسمت بندر عباس و بندر بوشهر ما تقریباً چهل و پنجاه روز وقت لازم دارد تا وسائل آنهاجا برسد پنج ماه بآخر دوره باقی مانده مشغول تهیه وسائل انتخابات بشوند

این تملیق بامر محالست اگر مقدور باشد ما باید قید کنیم که هفت ماه به آخر دوره شروع بانتخابات بکنند و حالا چون وقت نیست باین اندازه راضی شده ایم که شش ماه قبل از اختتام دوره شروع بتهیه وسائل انتخابات بشود و در چهار ماه به آخر دوره شروع بانتخابات بشود بکنند

مخبر - این محظوری را که آقای کازرونی میفرماید صحیح ولی نظر بضمیمه وقت وبالآخره نظر بدینکه ما الان يك قانون مینویسیم که مقدمه این قانون فراهم نیست

باین واسطه بنده قبول کردم. الان شش ماه کمتر باخر دوره باقی مانده وقتی که ما این رای را دادیم چطور می شود؟

ان شش ماه هم باخر دوره باقی مانده است معذکال بسته برای آقایان رئیس - رای می گیریم بمقابل توجه بودن

مخبر - بنده قبول کردم رئیس - پس دیگر رای نمی گیریم کازرونی - عملی نیست تعلیق بامر محال است

پیشنهاد دیگر آقای مدرس پیشنهاد منم ایام تبصره ترتیب ذیل نوشته شود

تبصره - بانبردن مانعی در تمام حوزه های انتخابیه الخ

مدرس - اگر يك پیش بینی عقلی هم بشود شما مخالفت میکنید شما میگوئید در تمام نقاط مملکت يك مرتبه باید شروع شود.

فرضا اگر جا نشد آنوقت میگوئید تمام انتخابات صحیح نیست؟

پس بهتر اینست که نوشته شود در صورت نبودن مانع و مانع هم چیزی نیست که مخفی باشد لابد گرفتاریهای محلیست یا بعضی جاها برف زیاد مانع بوده است و اگر مانع نبود آنوقت بگوئید همه جا باید مثل هم باشد حالا میخواهید قبول کنید میخواهید قبول نکنید

مخبر - بنده با این اصلاح هم موافق هستم

کازرونی - بنده مخالفم

رئیس - از طرف کمیسیون قبول شد.

کازرونی - بلی بنده هم عضو کمیسیون هستم.

بنده می دانم مقصود مقدس آقای مدرس خیلی صحیحست اما در جای خودش ولی در این قانون اگر ما لفظ در صورت نبودن مانع را بنویسیم آنوقت هر موقع سوال کنیم جواب میدهند مانع بود میگوئید غیر برویم معاکه کنیم

همینکه قائل بکه مانع شدیم در واقع قائل بتاخیر انتخابات وقترت شده ایم و هیچ دلیلی هم در مقابل کلمه مانعی که جناب عالی بآن منعی میفرمائید همیشه اوقات

در کلیه امور مجر زومسلم است البته هر گاه این عذر موجهی برای يك کسی بود دیگر از او مواخذه نمی شود یعنی وقتی که بنده محکوم براه رفتن شدم در صورتی که پیام شکسته باشد این عذر موجه از من پذیرفته است

دیگر محتاج بگفتن نیست آنوقتیکه بنده مقبل می شوم باینکه راه بروم دیگر شرط نمی کنم در صورتیکه پیام شکسته باشد و ضرر این قسمت محسوس است

اگر بخوایم این قید را در اینجا بنمائید دیگر آوردن این ماده بمجلس اثر وفایده ندارد

والا هر وقت در هر نقطه که اداره کرد انتخاب میکنند والا حکومت هزار گونه موانع میتراشد و هر وقت هم مواخذه کنید می گویند مانع بود فرس ما زور بود و راه امن بود و همینطور از این قبیل موانع خواهد گفت در این صورت آنوقت شما چکار میتوانید بکنید

و در مقابل دولت مبتوع مخفم و معظم خودتان چه اظهاری مینمائید؟

در هر صورت بکلی مخالف با آن منظور است از يك طرف میگوئید چهار ماه باخر دوره شروع بانتخابات نمایند از طرف دیگر میگوئید پنج ماه باخر دوره تهیه وسائل انتخابات را بنمائید چطور می شود در يك ماه قبل از اعلان شروع بانتخابات اوراق تعرفه را طبع کرد و بولایات و ایالات فرستاد؟

تا بولایات برسد و در بولایات مقدماتش تهیه شود مدتی وقت لازم دارد در تمام نقاط مملکت ماهم که آنرا بولین نیست و وسائل نقلیه ما هنوز قاطر و شتر است و در مدت چهل و بیجاه روز باخر دره هم اوراق چاپی بتمام نقاط برسد

آن وقت میگوئید در ظرف يك ماه وسائل انتخابات را تهیه کنند و بتمام ایالات و بولایات برسانند نمیدانم چطور میشود اینها را باهم جمع کرد

رئیس - پیشنهاد شده است تنفس داده شود مخالفی ندارد؟

جمعی از نمایندگان - خیر (در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از سه ربع ساعت مجددا تشکیل گردید)

رئیس - آقای مخبر اظهاراتی دارید؟

مخبر - خیر - اگر پیشنهاداتی رسیده است قرائت شود

رئیس - باید تکلیف پیشنهادات معین شود

شما پیشنهاد را قیرل کردید

مخبر - بنده پیشنهاد آقای مدرس را قبول کردم

حائری زاده - بنده پیشنهاد دیگری دادم

مخبر - بنده پیشنهاد آقای مدرس را قبول کردم

نظر باینکه عده هم با آن پیشنهاد اظهار موافقت کردند و در واقع این پیش نهاد بجای ماده شد حالا اگر پیشنهاد دیگری بنویسید البته مقدم خواهد بود

رئیس - پیشنهادی از طرف آقای حائری زاده رسیده است قرائت می شود (اینطور خوانده شد)

پیشنهاد آقای حائری زاده: ماده ۴ را بجای ماده ۳ سابق بشرح زیر پیشنهاد می کنم: وزارت داخله مکلف است که پنج ماه باخر هر دوره تقنینیه مانده مقدمات و وسائل انتخابات دوره بعد (از قبیل طبع و ارسال اوراق لازمه و انتخاب اعضاء انجمنهای نظارت مرکزی و فرعی و شعب و صدور حوالجات برای مخارج انتخابات و خرج سفر نمایندگان و غیره) شروع نماید بنحوی که سه ماه به آخر آن دوره مانده حکم راجع بانتخابات عمومی دوره بعد را در کلیه حوزه های انتخابیه (اصلیه و فرعیه) مملکت اعلام و اجرا نماید

تبصره - در تمام حوزه های انتخابیه باید انتخابات در ظرف يك ماه شروع شود

رئیس - آقای حائری زاده (اجازه)

حائری زاده - در موقع تنفس با آقایانی که اختلاف نظری داشتند مذاکره شد و تقریباً خود آقای مدرس هم که آن پیش نهاد را کرده بودند این نظر را پسندیدند اگر چه ما معتقد بودیم که شش ماه باخر دوره مانده شروع بمقدمات شود چهار ماه باخر دوره مانده هم شروع بانتخابات بشود چون از شش ماه چند ماه کم شده تا موقعی که دولت بخواهد انتخابات را بجزریان بیندازد دو ماه بیشتر فرجه نیست از این جهت پنج ماه باخر دوره باقی مانده معین شد که دولت تهیه مقدمات بکند سه ماه باخر دوره مانده انجمنهای نظارت مرکزی و فرعی و شعب و صدور حوالجات برای مخارج انتخابات و خرج سفر نمایندگان و غیره) شروع نماید بنحویکه روز اول سه ماه باخر آن دوره اعلان انتخابات از طرف نظارت در هر ولایت و ایالت منتشر شود

رئیس - بفرمائید

مرتضی قلیخان بیات - بنده يك اصلاحی پیشنهاد کرده ام که راجع بقسمت اجراء است در خود ماده که از طرف کمیسیون تهیه شده نوشته اند چهار ماه باخر دوره مانده حکم راجع بانتخابات عمومی (اصلیه و فرعیه) مملکت اعلام و اجراء نماید

ولی بنده برای اینکه در این امر تسریعی شده باشد و تسکلیف روشن تر بشود پیشنهاد کرده ام که سه ماه به آخر دوره مانده اعلان انتخابات از طرف انجمن نظار منتشر شود بجهت اینکه اینجا که نوشته شده:

حکم راجع بانتخابات عمومی دوره بعد باید داده شود ممکن است حکم که

باین پیشنهاد اصلاح شود ممکن است آنرا بر داریم و بجایش این پیشنهاد را بگذاریم

مخبر - بنده هم موافقم با این پیشنهاد مدرس - در حقیقت بجای ماده است

رئیس - خوب با هر سه که موافق شدید این تناقض دارد

پیشنهاد آقای سنطانی هم همین است

پیشنهاد آقای شریعت زاده (بمضمون ذیل خوانده شد)

تبصره - بعد از تهیه مقدمات مذکوره دولت مکلف است امر بشروع انتخابات در تمام مملکت صادر کند

از تاریخ ابلاغ امر بزور در ظرف بیست روز باید در تمام حوزه های انتخابیه بانتخابات شروع شود

شریعت زاده - بنده با يك ماه موافقم

پیشنهاد آقای میرزا رضا خان حکمت

بنده پیشنهاد میکنم وسائل انتخابات را دولت قبلا تهیه و سه ماه باخر دوره مانده در تمام نقاط شروع بانتخابات شود

حکمت - بنده هم با آن پیشنهاد موافقم

پیشنهاد آقای بیات

بنده اصلاح ماده ۴ را بطریق ذیل پیشنهاد مینمایم

ماده ۴ - وزارت داخله مکلف است که از شش ماه باخر هر دوره تقنینیه مانده تهیه مقدمات و وسائل انتخابات دوره بعد (از قبیل طبع و ارسال اوراق لازمه و انتخاب اعضاء انجمنهای نظارت مرکزی و فرعی و شعب و صدور حوالجات برای مخارج انتخابات و خرج سفر نمایندگان و غیره) شروع نماید بنحویکه روز اول سه ماه باخر آن دوره اعلان انتخابات از طرف نظارت در هر ولایت و ایالت منتشر شود

رئیس - بفرمائید

مرتضی قلیخان بیات - بنده يك اصلاحی پیشنهاد کرده ام که راجع بقسمت اجراء است در خود ماده که از طرف کمیسیون تهیه شده نوشته اند چهار ماه باخر دوره مانده حکم راجع بانتخابات عمومی (اصلیه و فرعیه) مملکت اعلام و اجراء نماید

ولی بنده برای اینکه در این امر تسریعی شده باشد و تسکلیف روشن تر بشود پیشنهاد کرده ام که سه ماه به آخر دوره مانده اعلان انتخابات از طرف انجمن نظار منتشر شود بجهت اینکه اینجا که نوشته شده:

حکم راجع بانتخابات عمومی دوره بعد باید داده شود ممکن است حکم که

میدهند بعد از صدور حکم از سه ماه یا چهار ماه دیگر این مسئله موقوف اجراء و عمل گذاشته نشود بجهت اینکه حکم يك چیز است که از طرف دولت صادر میشود که انتخابات را شروع کنند

ولی عملش دیگر معلوم نیست و در آنجا هم ابتدای عمل را معین نکرده و بنده در این پیشنهاد ابتدای عمل را معین کرده ام یعنی روز اول سه ماه انجمن نظارت اعلان انتخابات را منتشر نماید و البته در این صورت دیگر این اشکالی که يك مدتی حکم بلا اجراء ماند رفع خواهد شد این است که بنده پیشنهاد کرده ام شش ماه نوشته شود برای اینکه از شش ماه قبل شروع بتهیه مقدمات شود سه ماه به آخر دوره مانده اعلان انتخابات منتشر شود البته آنوقت ده نازده روز برای انتشار اعلان طول میکشد و بیست و پنج روز هم مدت دادن تعرفه و گرفتن رای خواهد بود و به هم برای استخراج آراء و فرستادن آنها خواهد بود و اگر حکم باشد همانطوریکه عرض کردم آن نظر بکه آقایان دارند و مقصودشان تسریع انتخابات است محفوظ نخواهد ماند زیرا حکمش میشود ولی بوقوع عمل نخواهد آمد لیکن حالا که آقایان پنج ماه باخر دوره مانده را پیشنهاد کرده اند بنده هم با آن موافقت می کنم

رئیس - آقای کازرونی (اجازه)

کازرونی - بنده هم با این پیشنهاد موافقم

رئیس - آقای فاطمی (اجازه)

فاطمی - بنده يك سوالی دارم این شرطیکه چدر این پیشنهاد چه در آن قانون نوشته شده که بایستی در ظرف فلان مدت شروع بانتخابات بشود بنده میخواهم ببینم اگر فرضاً در اول سه ماهیکه در این قانون نوشته شده در يك ولایتی شروع بانتخابات نشد آیا این امر لطمه بانتخابات آن محل وارد میکند یا خیر؟ و این مسئله باید توضیح داده شود که بعد دچار اشکال نشویم

زیرا بنده خاطر هست که در دوره چهارم یکی از نمایندگان را برای اینکه دادن رای از پنج روز تجاوز کرده بود اعتبارنامه اش را از مجلس رد کردند حالا میخواهم ببینم آیا این شروع هم بمنزله همانست که اگر از اول سه ماه شروع نشد و از یازده روز بعد شروع شد انتخابات فاسد خواهد شد یا اینکه بقوت خودش باقی است

خوبست این مسئله توضیح داده شود که مطلب معلوم باشد

مخبر - عرض میکنم در این قسمتی که فرمودند سابق هم مبتلا بودیم و چیزی نازده

نیست در قانون انتخابات سابق نوشته بودند که سه ماه به آخر دوره تقنینیه مانده بایستی انتخابات دوره بعد شروع شود ولیکن مادر عمل میدیدیم که بعضی از دولتها این اصل را مراعات میکردند ولی با يك مسامحه و تاملهایی و بعضیها هم هیچ مراعات نمی کردند

ولی این قانون را که ما میخواهیم وضع کنیم طوری ترتیب داده ایم که اگر دولت ها نخواهند مطابق جریان طبیعی رفتار کنند هم دولتها مقصر هستند و هم این که حقوق مردم ازین نمی رود چنانچه سابق بر این بعد از یکسال که از دوره تقنینیه گذشته بود تازه دولت انتخابات يك نقطه دیگری را شروع می کرد و البته اگر حالا هم اینطور شود از این دولت میشود سوال و استیضاح کرد ولی در عین حال هم حق مردم ضایع نمی شود

رئیس - رای میگیریم به پیشنهاد آقای بیات آقایانی که موافقت قیام فرمائید (اغلب قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه شد

باین پیشنهادیکه خوانده شد رای گرفته شد

(بعضی از نمایندگان اظهار داشتند به ماه رای گرفته شد بعضی دیگر گفتند بشش ماه)

رئیس - بچیزیکه ایشان میگویند که رای نمیگیریم بآن چیزیکه نوشته بودند رای گرفته ایم

پیشنهاد آقایان بیات و حائری زاده - بنده ماده (۵۵)(۵۶) را برت کمیسیون تجدید نظر در قانون انتخابات را بعنوان دو ماده الحاقیه پیشنهاد مینمایم (ماده ۵۵ بشرح ذیل خوانده شد)

ماده ۵۵ - هر گاه در حین جریان انتخابات يك یا چند نفر از اعضاء انجمن نظارت از حضور در انجمن تعلیل یا استتکاف نمایند مادامی که اکثریت باقی است جریان انتخابات تعقیب و بعضو مستتکف اخطار میشود

چنانچه تا دو جلسه در استتکاف خود باقی باشد حکومت بجای عضو مستتکف از اعضاء علی البدل بکنفر را برای عضویت انجمن بحکم قرعه دعوت می نماید

رئیس - پیشنهاد شده است جلسه ختم شود

بعضی از نمایندگان - صحیح است

رئیس - بقیه مذاکرات میماند برای جلسه بعد روزه شنبه (مجلس ده دقیقه بعد از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی - حسین پیرنیا

منشی طاهری

منشی - دکتر احتشام طباطبائی